



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ آذر ۸۹

موضوع کلی: مقدمات

مصادف با: ۱۵ ذی الحجه ۱۴۳۱

موضوع جزئی: سیر تدوین حدیث نزد شیعه

جلله:

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اصل، کتاب، جامع و مجامع:

بحث ما به اینجا رسید که در تدوین حدیث، مجموعه هائی که تدوین شد به اصل معروف گردید. اصل عبارتست از: روایات گردآوری شده که راوی، آنها را بلاواسطه از امام شنیده و ضبط کرده باشد. در مقابل اصل، فرع هست که عبارتست از: مجموعه‌های که از کتاب دیگری که از امام اخذ شده گرفته شده است. سه اصطلاح اصل، کتاب، و مصنف، به مجموعه‌هایی از روایات گردآوری شده، اطلاق میشود، منتهی اصل، روایاتی بوده که راوی بدون واسطه از امام شنیده و گردآوری کرده، کتاب و مصنف شاید معنای اعمی داشته باشد که صرفاً به روایاتی که راوی بلاواسطه از امام شنیده باشد اطلاق نشود بلکه کتاب اعم بوده از روایاتی که شخص از امام با واسطه یا بی واسطه نقل میکرد، در هر صورت اصحاب اصول و مصنفین، توسط ابن غضائری در قرن پنجم تفکیک شدند که تا آن موقع این تفکیک بین اصحاب اصل و کتاب و تصنیف صورت نگرفته بود. بعضی از کتابهایی که نام مؤلفین و کتابهایشان در آنها ذکر شده عبارتند از: فهرست ابن ندیم (م. ۳۸۵ ه.ق)، رجال نجاشی (م. ۴۵۰ ه.ق) که ۱۲۰۰ نفر از اعلام شیعه را در آن ذکر کرده، فهرست شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ه.ق) که حدود ۷۰۰ نفر را ذکر کرده، معالم العلماء که به عنوان فهرست ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ه.ق) شهرت پیدا کرده که ۳۰۰ نفر را نقل کرده است، کتابهای دیگری هم هست که نام بزرگان و کتابهایشان در این کتابها آمده است از جمله مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه جلد ۲، صدوهفده اصل و ترجمه مصنفین آنها را ذکر کرده است.

آغاز مشکلات در نقل حدیث:

در هر صورت عمده مشکلات حدیثی و آن چیزهایی که بعنوان آسیب در علوم حدیث پیش آمد از اینجا پیدا شد، چون انگیزه‌های مختلف برای جعل حدیث وجود داشت. اشخاص غیر ثقه حدیث نقل میکردند، روایات زیادی در دسترس مردم بود، احادیث مجعول و غیر مجعول باهم آمیخته شده بود، اینها تا زمانی که سند آن به طور دقیق بیان شود مشکلی ایجاد نمیکند اما در مرحله انتقال از این اصول به کتب و از کتب به جوامع و از جوامع به مجامع و روایات اشکالات زیادی پیدا شد، اما برای اینکه دقیقاً مشکلاتی که بر اثر این نقل و انتقال پیدا شد روشن شود و علل و اسباب این مشکلات روشن شود، چند نمونه که در کتب حدیثی وجود دارد را اشاره میکنیم تا بدانیم که آشنایی با علم رجال و درایه از چه اهمیتی برخوردار است. اصول و کتب اولیه کمکم تبدیل شد به جوامع حدیثی مثلاً یکی از اصول اولیه نوادر ابن ابی عمیر است که شامل روایاتی بوده که مستقیماً از امام شنیده است یا جامع بزنتی یا مشیخه ابن محبوب که همه از اصول بودند

که بعداً این اصول نیازمند تبویب و جامعیت بیشتری شدند مثلاً ابنابیعمر در کتاب نوادر هر چه را که شنیده بود نوشته و ضبط کرده بود اما در یک تنظیم و ترتیب خاصی قرار نگرفته بود و همه آنچه را که از امام در ابواب مختلف وارد شده ذکر نکرده بود فقط آن مقداری را که خودش شنیده بود آورده بود لذا نیاز به تدوین جوامع روایی، بیش از گذشته پیش آمد که اولاً تمام روایات را جمع کنند و مَبَوَّب کنند و منظم کنند تا این احادیث حفظ شود لذا بحث تدوین این جوامع که پیش آمد کمکم کتب و اصول اولیه متروک شدند، جوامع روایی که پیدا شد مانند: اصول کافی، تهذیب، استبصار، من لایحضر الفقیه، اینها در واقع برگرفته از اصول اربعه ماه بودند که بعداً این کتباربعه جایگزین اصول اربعه ماه شدند. مثلاً سعی مرحوم کلینی این بوده که احادیث معتبر را در کافی جمعآوری کند و این باعث شد خیلی از احادیث دیگر در این کتب ذکر نشود که بعدها بزرگانی به فکر افتادند برای اینکه احادیث دیگر را هم حفظ کنند مجامیع روایی را درست کنند مثلاً علامه مجلسی کتاب بحار الانوار را گردآوری کرد و یا شیخ حرعاملی که کتاب وسائل را نوشته است. البته باید توجه داشت که در این نقل و انتقالات مشکلات زیادی پدید آمد.

علل پدید آمدن این مشکلات:

(الف) کوتاه کردن سند با تکیه بر قرائن چیزی بود که در جوامع روایی اتفاق افتاد یعنی اسناد روایات که در کتب اولیه به واسطه وجود قرائن روشن بودند در موقع انتقال به جوامع از آن قرائن جدا شدند و این باعث مشکلاتی شد.

(ب) استنساخ و رونویسی.

(ج) تفکیک محتوایی روایات.

(الف) روشهای کوتاه کردن سند با تکیه بر قرائن:

۱. حذف اسم و آوردن ضمیر بجای اسم:

مثلاً حسین بن سعید اهوازی که از مشهورترین مؤلفین کتب اولیه روایی است و کتاب او از نظر اعتبار در حد کتب اربعه بوده، سه نوع سند از او نقل شده است که در ذیل ملاحظه میکنیم: در سند اول آمده، الحسين بن سعید عن محمد بن سنان عن عبد الله بن مسكان عنابي بصير يحيى الاسدي، در سند دوم آمده، الحسين بن سعید عن حماد بن عيسى عن شعيب بن يعقوب العرقوفی، در سند سوم آمده، الحسين بن سعید عن حماد بن عيسى عن عبد الله بن مسكان، در این سه سند که ذکر شد حسین بن سعید در صدر سند ذکر شده است، برای اینکه جلو این تکرار گرفته شود، بجای آن از ضمیر استفاده کرده اند و گفته اند: «عنه»، مثلاً ذکر کرده اند: الحسين بن سعید عن حماد بن عيسى عن عبد الله بن مسكان عن عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله... وعنه، عن شعيب بن يعقوب العرقوفی...، عن ابي عبد الله... وفي خبر آخر عنه (ع)، که در یک مورد «عنه» در صدر حدیث ذکر شده و در مورد دیگر در ذیل، ذکر شده که ضمیر «عنه» در اول، عن حماد بن عيسى است و ضمیر «عنه» در دوم، به ابا عبد الله بر میگردد که این سه روایت، وقتی از کتاب حسین بن سعید به کتب اربعه منتقل میشود و در بابهای مختلف قرار میگیرد، ممکن است به قرائن توجه نشود و قرائن منتقل نشود که وقتی این احادیث تفکیک میشوند و در باب مخصوص خودشان قرار میگیرند، منشأ اشتباه میشوند که مراد از «عنه» کیست.

۲. حذف بخشی از اسم:

گاهی بعضی از اسامی و القاب و کنیه‌ها را حذف میکنند. مثلاً از شعیب‌بن‌عقوب عرقوفی به عنوان شعیب‌بن‌عقوب نام می‌برند یا از عبدالله‌بن‌سنان به عنوان ابن‌سنان نام می‌برند که دو تا ابن‌سنان وجود دارد یکی عبدالله‌بن‌سنان و یکی محمدبن‌سنان که وقتی ابن‌سنان ذکر میشود معلوم نیست که منظور محمدبن‌سنان است یا عبدالله‌بن‌سنان، یا مثلاً از حماد بن‌عیسی با عنوان حماد نام می‌برند یا ابوبصیر یحیی‌الاسدی با عنوان ابوبصیر ذکر شده‌است در حالیکه دو ابوبصیر داریم یکی ابوبصیر یحیی‌الاسدی و دیگری ابوبصیر لیث مرادی که وقتی ابوبصیر به تنهایی آورده میشود مشخص نمیشود کدامیک مورد نظر است.

۳. حذف بخشی از سند:

گاهی برای کوتاه کردن سند، بخشی از سند را حذف میکنند و این بخاطر این است که چون واسطه‌های نقلها معمولاً مشخص است و این طور نیست که هر کسی از هر کسی نقل کند پس واسطه را حذف میکنند. مثلاً در نقل حسین بن سعید از ابوبصیر یحیی‌الاسدی، دو واسطه مشخص وجود دارد، یکی محمدبن‌سنان و دیگری عبدالله‌بن‌سکان که چون واسطه‌ها معلوم است حذف شده‌اند و مستقیماً می‌گویند: حسین بن سعید عن ابی بصیر، که سند را کوتاه میکند ولی این متکی بر قرینه تکرار بوده ولی در مقام نقل روایت بعدی آن را در اسناد بعدی به همان سند و معلق بر سند اول ذکر می‌کنند، یا مثلاً در تهذیب، این طور آمده: محمد بن‌عقوب عن سهل بن‌زیاد عن احمد بن‌محمد عن داود بن‌سرحان عن ابی‌عبدالله، که محمد بن‌عقوب کلینی از سهل بن‌زیاد نقل کرده‌است، در کافی همین حدیث این‌طور نقل شده که عدّه من اصحابنا عن سهل بن‌زیاد عن الحسن بن‌محبوب عن عمر بن‌زید... باز در کافی این‌طور نقل کرده‌است که سهل بن‌زیاد عن احمد بن‌محمد عن داود بن‌سرحان عن ابی‌عبدالله... که روایت دوم در کافی معلق بر اولی است که عدّه مناصحاننا در این روایت حذف شده‌است، بر این اساس روایت تهذیب این‌طور میشود که محمد بن‌عقوب عن عدّه مناصحاننا عن سهل بن‌زیاد عن احمد بن‌محمد... در حالیکه محمد بن‌عقوب کلینی مستقیماً از سهل بن‌زیاد نقل نکرده‌است اما وقتی در تهذیب روایت را نقل میکند واسطه «عدّه من اصحابنا» را حذف کرده‌است.

بحث جلسه آینده: روش چهارم برای کوتاه کردن سند، ادغام اسناد است که در جلسه آینده ذکر میشود.

«والحمد لله رب العالمین»

